

مقالات و بررسیها، دفتر ۷۳، تابستان ۸۲، ص ۵۷-۸۵

ثبوت هلال؛ رؤیت یا محاسبه

محمد عادل ضیایی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

چکیده:

انجام به موقع فرایض دینی امری لازم است. روزه نیز از جمله مهم‌ترین عبادات به شمار می‌رود. دانستن زمان آغاز و پایان ماه رمضان همواره یکی از مسائل مورد توجه و بحث‌انگیز بوده است. از جمله مسائل مطرح در این زمینه اعتبار یا عدم اعتبار محاسبات نجومی در ثبوت هلال است. از همان اوایل این مسأله، موافقان و مخالفانی داشته است که با مرور زمان بر تعداد موافقان افزوده شده است.

مخالفان برای اثبات ادعای خود به دلایلی چون نصوص وارده در این زمینه، اجماع، قاعده رفع حرج، ترجیح قطع بر ظن و عدم انضباط محاسبات نجومی استناد کرده‌اند. موافقان نیز به دلایلی چون نص، ترجیح قطع بر ظن، طریقت رؤیت هلال و اخذ به قیاس اولی استدلال کرده‌اند. به نظر می‌رسد دلایل موافقان مقرون به صحت باشد به ویژه اگر محاسبات را در نفی - و نه اثبات - حجّت بدانیم. یعنی اگر از دیدگاه محاسبات نجومی، رؤیت هلال محال باشد شهادت شهود باید بر توهم، سهو، تعمّد در کذب، اکراه و غیر آنها حمل شود.

کلید واژه‌ها: نجوم، روزه، هلال، رؤیت هلال، جواز، قطع، ظن، شهادت، طریقت، موضوعیت.

بسیاری از امور شرعی چون نماز، روزه، حج، عده طلاق و وفات و حلول آجال به اندازه‌گیری و تعیین زمان نیازمندند. برخی از این اوقات براساس تغییر مکان ظاهری

خورشید معین می‌شوند که از آن جمله‌اند: اوقات نمازها، آغاز و پایان روز جهت امساک و افطار روزه. بعضی نیز از روی تغییر شکل ظاهری ماه مشخص می‌شوند که در بین آنها می‌توان به آغاز و پایان ماههای قمری جهت انجام مناسک حج، ادای روزه رمضان، حلول موعد پرداخت زکات و به سرآمدن عده زنان اشاره کرد. از این میان تعیین آغاز و انجام ماه رمضان بیشتر مورد توجه بوده است. برای تعیین آغاز و انجام ماههای قمری، رؤیت هلال، اکمال ماه پیشین و استفاده از محاسبات نجومی مورد توجه فقها بوده است.^۱

در مورد جواز استفاده از محاسبات نجومی در ثبوت هلال، آرای متفاوتی وجود دارد که مهمترین و عمده‌ترین آنها دو رأی زیر است:

الف - عدم اعتبار محاسبات نجومی ب - اعتبار محاسبات نجومی

الف - عدم اعتبار محاسبات نجومی و دلایل آن

بیشتر فقهای متقدم و برخی از فقهای معاصر برآنند که محاسبات نجومی نمی‌تواند دلیل و مستند شرعی برای تعیین آغاز ماههای قمری به حساب آید^۲ (نوی، ۲۷۹/۶؛

۱. اکثر قریب به اتفاق فقها استفاده از محاسبات نجومی را در تعیین جهت قبله و اوقات نمازها جایز دانسته‌اند. برای کسب اطلاع بیشتر در این زمینه به مقاله «استفاده از محاسبات نجومی در امور شرعی» که در مجله مقالات و بررسیها (دفتر ۷۰ زمستان ۱۳۸۰) چاپ شده است مراجعه شود.

۲. طرح مسأله اعتبار و یا عدم اعتبار محاسبات نجومی در میان فقهای اهل سنت و شیعه تا حد زیادی متفاوت است. این مبحث در میان فقهای شیعه غالباً تحت عنوان «نظریه عدد» مطرح شده است. خلاصه این نظریه آن است که ماههای دوازده‌گانه سال قمری به صورت یک در میان، بیست و نه، و سی روزه خواهند بود. بر اساس این نظریه ماه شعبان همواره بیست و نه و ماه رمضان سی روزه است. در تشخیص آغاز ماه رمضان گفته‌اند که با گذشت پنجاه و نه روز از ماه رجب، رمضان آغاز خواهد شد و یا اینکه پنج روز پس از ماه رمضان سال گذشته، اول رمضان سال جدید خواهد بود و بر همین مبنا جدولی تنظیم شده است. مشهورترین و «بهترین جدول را عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب روایت کرده» (مجله فقه، شماره ۲ صفحه ۲۲۸) «و آن را به امام جعفر صادق نسبت داده است» (ابن زهره، ۲۲۳/۶) در حالی که «این جدول ساخته و پرداخته خود عبدالله است» (مجله فقه، شماره ۲ ص ۲۲۸؛ ابن تیمیّه، ۱۷۹-۱۸۰/۲۵).

ثبوت هلال؛ رؤیت یا محاسبه / ۵۹

ابن رشد حفید، ۲۹۳/۱؛ تتانی، ۱۱۹-۱۲۰/۳؛ سرخسی، ۷۸/۳؛ ابن تیمیه، ۱۷۱/۲؛ شربینی، ۲۳۵؛ قرافی، ۲۹۸/۲؛ ابن عابدین، تنبیه الغافل و الوسنان ۲۲۷/۱؛ جزیری، ۵۵۱/۱؛ جزائری، ۵۵؛ زیدان، ۲۷/۲؛ صابونی، ۲۱۰/۱؛ طوسی، ابو جعفر به نقل از ابن ادریس، ۲۸۱/۶؛ محقق حلّی، ۳۴۸/۶؛ علامه حلّی، ۳۷۶/۶.

عمده دلایلی که برای اثبات این رأی به آنها استناد شده به قرار زیر است:

۱- نصوصی که ثبوت هلال را به رؤیت آن منوط می‌کنند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: **فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ** (بقره/۱۸۵). بر این آیه چنین استدلال شده است که «شَهِدَ» به معنی «شاهد» است و بنابراین معنی آیه چنین است که هر کس ماه را دید روزه بگیرد؛ در حالی که «شَهِدَ» در اینجا به معنی «حَضَرَ» است و اهل لغت و فقها این نکته را بیان کرده‌اند (نک: القرافی، ۳۰۰/۲) پس مفهوم آیه این است که اگر کسی در طول ماه رمضان حاضر بود (مسافر نبود) روزه بگیرد. بنابراین آیه فوق در مقام بیان وجوب روزه ماه مبارک رمضان است و نفیاً یا اثباتاً متعرض رؤیت نشده است و در آن، دلیلی بر اینکه «شَهِدَ» به معنی رؤیت باشد وجود ندارد (طباطبایی، ۲۴/۲).

در احادیث متعددی، آغاز ماه به رؤیت هلال موکول شده است از جمله: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (ص): «صُومُوا لِرُؤُوتِهِ وَ أَفْطِرُوا لِرُؤُوتِهِ...» (بخاری، ۶۷۴/۲؛ مسلم، ۱۹۳/۷)؛ «عَنْ أَبِي عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ النَّبِيِّ (ص) «أَنَّه ذَكَرَ رَمَضَانَ فَقَالَ: لَا تَصُومُوا حَتَّى تَرَوْا الْهَلَالَ وَلَا تُفْطِرُوا حَتَّى تَرَوْهُ...» (مسلم، ۱۸۶/۷؛ نسائی، ۱۳۴/۴)؛

←

این نظریه گرچه مؤیدات روایی زیادی در میان کتب شیعه دارد (نک: البحر العاملی، باب احکام شهر رمضان؛ مجلسی، باب ما یشیت به الهلال؛ مجله فقه، شماره ۲) اما به دلیل وجود روایات متعارض با آن، طرفداران زیادی ندارد. از میان شیعیان، بیش از همه، «شیخ صدوق، ابن قولویه، اسماعیلیه، فاطمیان و شیخیه به بیان و تأیید این رأی پرداخته‌اند» (مجله فقه، شماره ۲ ص ۲۲۱؛ جزائری، ۸۱).

قابل بودن به نظریه عددگرچه به نحوی معتبر دانستن علم نجوم، و ردّ این نظریه تا حدّی به معنی عدم اعتبار آن تلقی شده است اما با موضوع مورد بحث در این مقاله تا حدّ زیادی متفاوت است و چون رأی فقهای شیعه در باب اعتبار و یا عدم اعتبار محاسبات نجومی غالباً ناظر بر نظریه عدد است برای جلوگیری از التباس و خلط مباحث از ذکر آرای علمای شیعه احتراز شده است مگر در مواردی که موضوع تماماً یا تا حدّ زیادی مشترک بوده باشد.

«عَنْ أَبِي عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الشَّهْرُ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ فَلَا تَصُومُوا حَتَّى تَرَوْهُ وَلَا تُفْطَرُوا حَتَّى تَرَوْهُ...» (ابوداود، ۳۰۶/۲). بنابراین رأی، ملاکی تشخیص آغاز و انجام ماههای قمری رؤیت هلال است. بسیاری از فقها هم براساس این گونه نصوص، رؤیت را ملاک می دانند. امام شافعی در کتاب الأم (۸۰/۲) ضمن نقل حدیث نبوی «الشَّهْرُ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ فَلَا تَصُومُوا حَتَّى تَرَوْا الْهَلَالَ وَلَا تُفْطَرُوا حَتَّى تَرَوْهُ فَإِنَّ عَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمَلُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ» می گوید: من نیز چنین می گویم. همو در جایی دیگر می گوید: «ظاهر امر رسول خدا (ص) (لَا تَصُومُوا حَتَّى تَرَوْا الْهَلَالَ...) چنان است که تا هلال رؤیت نشود نه روزه جایز است و نه افطار» (الشافعی، اختلاف، ۳۰۲/۷).

گرچه در این دو قول از امام شافعی سخنی از عدم اعتبار محاسبات نجومی به میان نیامده است اما برخی چون ابن تیمیه (فتاوی، ۱۸۲/۵) و جزائری (ص ۱۴۵) معتقدند همین که امام شافعی آغاز ماه قمری را موقوف به رؤیت نموده دلیل بر عدم اعتبار محاسبات نجومی از دیدگاه اوست. این مضمون را ابن عابدین به صورتی عام تر بیان می کند. او می گوید: «عبارات متون کتب علمای حنفی متفق است بر اینکه رمضان با رؤیت هلال و اکمال شعبان به اثبات می رسد و واضح است که مفاهیم کتب، معتبر است؛ از این عبارات فهمیده می شود که رمضان جز با این دو با چیز دیگری به اثبات نمی رسد». (ابن عابدین، تنبیه، ۲۲۳/۱).

سرخسی از فقهای بزرگ حنفیه، قول کسانی را که هنگام مشتبه شدن، رجوع به اهل حساب را توصیه می کنند صحیح نمی داند (۷۸/۳)، او معتقد است که این کار، مخالف حدیث نبوی «مَنْ أَتَى كَاهِنًا أَوْ عَرَافًا وَ صَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ» می باشد.

ابوالولید باجی از فقهای مالکیه می گوید (۳۸/۲): «ابن نافع از امام مالک درباره تصمیم گیری حاکم یا امام، روایت می کند که امامی که در روزه و افطار بنا بر رؤیت هلال عمل نکند و به علم حساب روی آورد، تبعیت از وی و اقتدای به او جایز نیست». باجی خود می افزاید: «اگر کسی از چنان حاکم یا امامی تبعیت کرد و بنا بر علم حساب روزه گرفت روزه او صحیح نیست و باید به رؤیت و اکمال ماه رجوع کند و اگر مستلزم قضا بود آن را قضا نماید».

خَرشی از دیگر فقهای مالکیه در شرح کتاب مشهور «مختصر الخلیل» (۱۴۰/۲-۱۴۱) می‌گوید: «روزه با رؤیت هلال و یا اكمال شعبان به اثبات می‌رسد نه با قول منجم. قول منجم نه در حق خود و نه در حق دیگران موجب اثبات روزه نمی‌شود زیرا شارع ثبوت روزه را انحصاراً در یکی از طرق رؤیت خود شخص یا شهادت یا اكمال شعبان قرار داده و طریقی جز اینها را معرفی نکرده است، پس چنانچه منجم از نقصان ماه و یا اتمام آن خبر داد قول و محاسبه او اعتباری ندارد حتی اگر اطمینان قلبی برای شخص حاصل شود». نجفی در جواهر (۲۰۱/۶) می‌گوید: «جدول که حساب مخصوصی نزد منجمان است ... در ثبوت هلال، اعتباری ندارد زیرا نصوص در عدم ثبوت دخول ماه جز با رؤیت یا گذشت سی روز از ماه قبلی مستفیض‌اند». جبعی نیز در شرح خود بر لمعه (۱۱۰/۲) معتقد است که جدول اعتباری ندارد. این رأی از طرف بعضی دیگر از فقها بیان شده است از جمله: ابن البراج (۱۷۷/۶)؛ ابن زهرة (۲۲۳/۶)؛ ابو جعفر طوسی (ابن ادریس، ۲۸۱/۶)؛ محقق حلی (المحقق الحلی، شرائع الاسلام، ۲۳۲/۶؛ المختصر النافع، ۳۴۸/۶)؛ مکی (۳۸۴).

در این دیدگاه، اگر در مواردی به دلیل وجود موانعی چون ابر و مه و گرد و غبار، رؤیت میسر نشد ماه سی روزه محاسبه می‌شود زیرا پیامبر (ص) فرموده‌اند: «صوموا لرؤیته و أفطروا لرؤیته فأن غمى علیکم الشهر فعدوا ثلاثین» (مسلم، ۱۹۳/۷)؛ و نیز به این دلیل که ماههای قمری یا بیست و نه شبانه روزی‌اند یا سی شبانه روزی و این امر، هم از یافته‌های علم نجوم است (ملک پور، ۱۲۳) و هم نصوص شرعی بر آن دلالت دارد: «عن ابن عمر رضی الله عنهما عن النبی (ص) قال: إنا أمة أمیة لا نکتب و لا نحسب؛ الشهر هكذا و هكذا و عقد الإبهام فی الثالثة، و الشهر هكذا و هكذا و هكذا یعنی تمام ثلاثین» (مسلم، ۱۹۲/۷)؛ در این حال، حضرت پیامبر (ص) با اشاره انگشتان خود بیان فرمود که ماه یا بیست و نه روزه است و یا سی روزه. «عن عمرو بن الحارث یقول: سمعتُ عبد الله بن مسعود یقول: ما صُمتُ مع رسول الله (ص) تسعاً و عشرين أكثر مما صُمتُ معه ثلاثین» (البيهقی، ۲۵۰/۴) که نشان می‌دهد پیامبر (ص) ماه را بیست و نه یا سی روزه می‌دانسته است.

علاوه بر دلایل ذکر شده، اقتضای قاعده فقهی «الیقین لا یزول بالشک» آن است که به

هنگام ابری بودن هوا و عدم رؤیت هلال، ماه، سی روزه در نظر گرفته شود. شاید یکی از دلایلی که باعث شده مفسری فقیه چون قرطبی (۲/۲۹۳) اکمال شعبان را یک واجب شرعی بداند استناد به همین قاعده فقهی بوده باشد. اکمال ماه وقتی مربوط به پایان رمضان باشد با قاعده «اخذ به احتیاط» هم تناسب تام دارد.

۲- نصوصی که ثبوت هلال به وسیله نجوم و حساب را نفی کرده‌اند: مهم ترین آنها این حدیث نبوی است: «عن ابن عمر رضی الله عنهما أن رسول الله (ص) قال: إنا أمة أمية لا نكتب ولا نحسب، الشهر هكذا وهكذا یعنی مرّة تسعة و عشرين و مرّة ثلاثين». (بخاری، ۲/۶۷۶؛ ابوداود، ۲/۳۰۶). گفته شده که پیامبر (ص) با این بیان، امت را از به کارگیری علم حساب و کتاب در تعیین آغاز و انجام ماههای قمری نهی کرده است (ابن تیمیه، فقه، ۱۳۳-۱۳۲).

در مقابل استدلال فوق برخی از فقها و به ویژه فقهای معاصر معتقدند که حدیث مزبور بیانگر واقعیات صدر اسلام است و اساساً متضمن نهی نیست (حبنکه، ۸۵؛ القرضاوی، المدخل، ۱۷۱). این رأی با واقعیات تاریخی نیز همخوانی دارد زیرا اعراب جاهلی نجد و حجاز، چنانکه از اشعارشان و اخبار وابسته به آن اشعار پیداست، دانش و آگاهی کمی از علم ستاره شناسی داشته‌اند؛ پیامبر اکرم (ص) نیز در میان چنین مردمانی مبعوث شده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۵/۲۸؛ ضیایی، ۱۶).

علاوه بر این اگر حدیث مورد بحث متضمن نهی باشد باید از کتابت هم نهی شده باشد در حالی که علمای سلف و خلف هیچ یک از کتابت نهی نکرده‌اند، بالعکس نمونه‌های فراوانی در نصوص و سیره عملی آنان وجود دارد که به باسواد شدن و فراگیری دانش تشویق و ترغیب می‌کند و چنانکه مشهور است پیامبر (ص) خود اولین کسی بود که زمینه باسواد شدن مسلمانان را فراهم آورد.

۳- اجماع: قایلان به عدم اعتبار محاسبات نجومی در ثبوت هلال، برای تأیید قول خود به اجماع هم استناد می‌کنند. قرطبی (۲/۲۹۳) در باب اثبات هلال رمضان به هنگام ابری بودن هوا، ضمن آنکه اکمال شعبان را واجب شرعی می‌داند، قول کسانی را که در این حالت قایل به رجوع به اهل حساب‌اند نادرست دانسته و علیه آنان ادعای اجماع می‌کند. جالب آنکه خود وی برخی از آنان همچون مطرف بن عبدالله بن الشخیر، ابن

قتیبه و بعضی از اصحاب شافعی را به عنوان مخالف ذکر میکند (همانجا). اما توضیح نمی‌دهد که با وجود مخالفت این گروه قابل اعتنا، چگونه این اجماع منعقد شده است؟ البته ادعای اجماع در این باب پیش از او توسط ابن تیمیّه مطرح شده بود. وی می‌گوید (فتاوی، ۱۳۳/۲۵): «ضرورتاً از دین اسلام در می‌یابیم که عمل به قول محاسب در اثبات رؤیت یا عدم رؤیت هلال، جایز نیست. نصوص فراوانی در این زمینه از پیامبر (ص) در دست است. مسلمانان هم بر آن اجماع کرده‌اند و هیچ خلافتی بر این اجماع در میان علمای قدیم و جدید وجود ندارد جز برخی از متفکّهه [= ابن سريج] که پس از سده سوم پدید آمده و ادعا می‌کنند که وقتی هوا ابری باشد حاسب می‌تواند بر اساس حساب خود عمل کند، این قول گر چه مقید به حالت ابری بودن هوا و مختصّ خود حاسب است، قولی شاذ و مخالف با اجماعی است که قبل از آن صورت گرفته است». پس، از نظر ابن تیمیّه این اجماع ادعایی باید در سده‌های اول، دوم یا سوم منعقد شده باشد در حالی که چنین اجماعی نقل نشده و ابن تیمیّه هم خود در آن دوران نمی‌زیسته تا آن را گزارش کند. در همین دوران مورد ادعای وی بزرگانی قایل به اعتبار محاسبات نجومی بوده‌اند، کسانی چون مطرف بن عبدالله الشّخیر (از کبار تابعین) که ابن تیمیّه خود به منزلت او واقف بوده و او را مردی جلیل‌القدر می‌داند (فتاوی، ۱۸۲/۲۵)، امام شافعی (در یک روایت)، محمد بن مقاتل رازی فقیه بزرگ حنفی و شاگرد محمد بن حسن شیبانی، ابن قتیبه دینوری، ابن سريج که هر یک از اعظم زمان خود بوده‌اند.^۱

۱. ابن تیمیّه برای اثبات اجماع ادعایی خود برخی از مستندات دالّ بر عدم وقوع اجماع را به نحوی نقد و انکار نموده و یا فاقد اعتبار اعلام کرده است. او بدون ذکر هیچ دلیلی انتساب این قول را به مطرف با دیده شک و تردید می‌نگرد و معتقد است (فتاوی، ۱۸۲/۲۵) که اگر انتساب این رأی هم به وی صحیح باشد از جمله لغزشهای دانشمندان است. گروهی چون یوسف بن عبدالبر نیز بدون ذکر هیچ دلیل و مستندی از اساس، این انتساب را انکار کرده‌اند (جزائری، ۸۴). ابن تیمیّه انتساب قول فوق به شافعی را نیز بی‌اساس دانسته (همانجا) و معتقد است آنچه از امام شافعی به اثبات رسیده خلاف آن است. او در این مورد انگشت اتهام را متوجه ابن سريج می‌کند و می‌گوید: کسی که این قول را به امام شافعی نسبت داده ابن سريج است که برای تأیید رأی خود این کار را کرده است. او با طرح این ادعای بدون دلیل، هم امام شافعی را از گردونه خارج کرده و هم ابن سريج را. محمد بن عربی (۸۲/۱) قول به اعتبار حساب را از جانب برخی متقدمین -

از فقهای شیعه هم گروهی بر معتبر بودن رؤیت - و نه عدد و جدول - ادعای اجماع کرده‌اند از جمله آنان می‌توان به ابن زهرة (۲۲۳/۶) و ابو جعفر طوسی (ابن ادریس، ۲۸۱/۶) اشاره کرد.

به طور کلی می‌توان گفت که در بسیاری از مواضعی که در آنها ادعای اجماع شده، در واقع اجماعی منعقد نگردیده است. ابن تیمیّه خود این سخن را می‌پذیرد. او می‌گوید (فتاوی، ۱۰/۲۵): «در بسیاری از مسائل که مردم در مورد آنها ادعای اجماع می‌کنند [واقعیت] این چنین نیست^۱ و چه بسا رأی دیگر از منظر کتاب و سنت راجح باشد. سخن آخر در این باب اینکه حتی اگر ادعای اجماع را هم بپذیریم، اجماع بر بی‌اعتبار بودن علم نجوم سده‌های اول، دوم، سوم صورت گرفته که در آن زمان و به ویژه در میان اعراب و مسلمانان پیشرفت زیادی نکرده و نوعی بی‌اطلاعی و بدگمانی در میان فقها نسبت بدان وجود داشته است و بنابراین نمی‌توان حکم این اجماع را بر علم نجوم امروزی که از دقت بالایی برخوردار است تعمیم داد.

۴- تمسک به قاعده رفع حرج: چون محاسبات نجومی در ثبوت هلال موجب وقوع مکلفین در حرج و مشقت می‌شود رأی به اعتبار آن باطل است زیرا محاسبات نجومی جز برای عده‌ای قلیل، مقدور نیست و مکلف کردن دیگران به این کار تکلیف بما لایطاق است. تکلیف مردم به رجوع به اهل فن هم خود مستلزم حرج برای مردم و نیز اهل فن است زیرا به دلیل تعداد کم متخصصان، دسترسی به آنان در زمان محدودی مثل آغاز

←

چون شافعی - یک لغزش غیر قابل توجیه قلمداد کرده است. ابن عبدالبرّ معتقد است که ابن قتیبه کسی نیست که در این زمینه بتوان به وی اعتماد کرد (جزائری، ۸۴) اما چنانکه بعداً خواهیم دید بیشتر علما صحت انتساب این اقوال را پذیرفته و قول به اعتبار محاسبات نجومی را از علمای دیگری نیز نقل کرده‌اند. ۱. اینکه چرا بدون انعقاد اجماع برخی مدعی آن شده‌اند می‌تواند به دو دلیل باشد: اول آنکه کسی که ادعای اجماع را مطرح کرده از وجود آرای مخالفان بی‌اطلاع بوده و این یک امر بسیار محتمل است. دوم آنکه منظور از اجماع، آن اجماع اصطلاحی که فی نفسه حجّت است یعنی «اتفاق نظر مجتهدین است در عصری از اعصار بر حکم شرعی یک موضوع» نبوده بلکه اتفاق نظر گروهی خاص از آنان مثل فقهای یک مذهب و یا اتفاق نظر بیشتر آنان آنچه که غالباً تحت عنوان رأی جمهور از آن نام برده می‌شود مد نظر بوده باشد.

رمضان مشکل و متضمن حرج است؛ پس باید به طریقی روی آورد که برای همه ممکن و مقدور باشد و آن، رؤیت با چشم است و به همین دلیل هم بوده است که در احادیث نبوی، ثبوت هلال به رؤیت منوط شده است.

این استدلال گرچه در نگاه اول متین و استوار می‌نماید لیکن با امعان نظر، معایب آن آشکار می‌گردد. در واقع استدلال فوق با وضعیت مسلمانان صدر اسلام تناسب داشته است و دقیقاً به همین خاطر هم پیامبر(ص)، رؤیت را به عنوان طریق ثبوتِ هلال، معرفی کرده است. اما وضعیت مسلمانان امروزه بسیار متفاوت از وضعیتی است که مسلمانان صدر اسلام در آن قرار داشته‌اند. امروزه تعداد افرادی که می‌توانند محاسبات نجومی مربوط به آغاز ماه قمری را انجام دهند افزایش فراوان یافته است، حتی اگر بپذیریم که تعداد آنان هنوز اندک است و اکثر قریب به اتفاق مسلمانان خود نمی‌توانند این محاسبات را انجام دهند دسترسی به آنان با توجه به پیشرفت شگرفی که در وسایل ارتباط جمعی پدید آمده بسیار آسان شده است بنابراین تمسک به قاعده رفع حرج برای بی‌اعتبار کردن محاسبات نجومی در ثبوت هلال در عصر کنونی صحیح نیست.

۵- ترجیح قطع بر ظن و شک: گفته شده که رؤیت با چشم از یقینی‌ترین و اطمینان‌آورترین طرق کسب علم است، اما محاسبات نجومی به وهم، شک و ظن آمیخته است، پس عقل حکم می‌کند که قطع را بر ظن ترجیح دهیم و رؤیت را ملاک قرار دهیم.^۱

جزائری (۷۰-۷۱) می‌گوید: «رؤیت با چشم غیر مسلح، یقینی و ملموس، و حساب فلکی، مشکوک و غیر قطعی است. همه می‌دانیم که شک، یقین را زایل نمی‌کند. آیا معقول است که انسان یقین را ترک کرده و به شک عمل کند؟ شگفت آنکه برخی از فقهای مالکی با اذعان به قطعیت محاسبات نجومی، آن را معتبر نمی‌دانند. آنان اتفاق نظر علمای سلف و خلف بر بی‌اعتبار بودن محاسبات نجومی را مستند رأی خود

۱. این معنی در روایات امامیه آمده است: اذا رأیتم الهلال فصوموا فاذا رأیتم فافطروا و لیس هو بالرأی و لا بالتظنی و لکن بالرؤیة (طوسی، الاستبصار، ۲/۶۳)؛ ضم لرؤیته و أفطر لرؤیته و ایاک و الشک و الظن (همو، ۲/۶۴). درباره روایات فوق باید گفت آنچه مورد نهی واقع شده عمل به ظن و شک و رأی است، پس این روایات علم نجوم امروزی را در بر نمی‌گیرند زیرا علم نجوم امروزی براساس قواعد متقن و صحیحی بنا شده که افاده قطع می‌کند و یا حداقل آنکه از رؤیت به قطع نزدیکتر است.

می‌دانند (قرافی، ۲/۲۹۹-۲۹۸).

ولی باید گفت قضیه برعکس آن است که جزائری پنداشته، آنچه مشکوک است رؤیت است نه حساب فلکی. رأی نقل شده توسط قرافی هم آشکارا باطل است به ویژه آنکه در این زمینه اجماعی منعقد نشده است.

۶- منضبط نبودن محاسبات نجومی و تشتت آرای منجمان: برای اثبات این ادعا به موارد و دلایل زیر استناد شده است:

اول: ضبط دقیق حرکات ماه و تعیین سرعت آن ممکن نیست. جزائری (۶۶) می‌گوید: «هلال ماه با اجرام آسمانی دیگر - که قابل شمارش نیستند - تفاوت دارد و بر خلاف آنها نمی‌توان به صورت مداوم و مستمر حرکات ماه را ضبط و یا سرعت دقیق آن را تعیین کرد. به نظر ابن تیمیه (فتاوی، ۲۵/۱۰۹، ۱۱۲) ضبط مکان طلوع هلال توسط حساب به هیچ وجه درست در نمی‌آید و در توان بشر نیست که زمان و مکان مشخص برای رؤیت معین نماید. مولود بن الحسین الشعیبی معتقد است: همان‌گونه که قبل از ولادت جنین نمی‌توان به ذکورت و یا انوئت آن حکم کرد، قبل از فرا رسیدن شب آخر ماه قمری هم نمی‌توان حکم به ثبوت یا نفی رؤیت هلال کرد. منجمین اگر یک بار به حقیقت برسند بارها خطا می‌کنند. (جزائری، ۶۹). بعضی هم گفته‌اند: تعیین ضابطه کلی حقیقی رؤیت هلال از امور محال است (حسینی طهرانی، ۳۵). ابن دقیق العید (۲/۴) می‌گوید: «اعتماد بر علم حساب در روزه جایز نیست - آنچنانکه منجمان می‌پندارند - چه حساب منجمان یک یا دو روز بر رؤیت هلال پیشی می‌گیرد». جزائری (۶۵) هم تشتت آرا و اختلاف تقاویم منجمان را دلیلی بر عدم اعتبار محاسبات نجومی می‌داند.

در اینکه محاسبات مربوط به حرکت‌های ماه از نظر پیچیدگی و دشواری با دیگر اجرام آسمانی تفاوت دارد شبهه‌ای نیست و منجمان بر این امر صحه گذاشته‌اند: «مطالعه حرکت ماه به دو دلیل بسیار دشوار است: اول آنکه در حرکت آن بی‌نظمی‌های زیادی وجود دارد و دوم اینکه ماه، نزدیک زمین است و در نتیجه انحرافهای حرکت آن دیده می‌شود در صورتی که در ستارگان بسیار دور، این انحرافها به نظر نمی‌آید؛ بی‌نظمی‌ها و انحرافهای زیاد در حرکت ماه موجب می‌شوند که مدار ماه دائماً تغییر کند، به همین دلیل حرکت حقیقی ماه بسیار پیچیده و بغرنج بوده و مطالعه آن یکی از مسائل بسیار دشوار

مکانیک آسمان است» (امین سبحانی، ۸۰)؛ اما این بدان معنی نیست که این کار غیر ممکن باشد به ویژه آنکه امروزه با مدد گرفتن از تجارب فراوان ثبت شده و بهره‌گیری از تکنولوژی جدید، این امر با دقت بسیار بالا انجام می‌گیرد؛ بهترین شاهد بر این مدعا هم، تحقق پیش بینی‌های کسوف و خسوف است که برای همه عیان و قابل درک بوده و با دقت بسیار بالا و خطای بسیار کم انجام می‌پذیرد و چنانکه معلوم است فرا رسیدن زمان رؤیت هلال، حالتی خاص از نحوه قرار گرفتن سه جرم آسمانی ماه، خورشید و زمین نسبت به هم است همچنانکه خسوف و کسوف هم حالت‌های خاص دیگری از همین وضعیت است. علاوه بر تعیین زمان امکان رؤیت هلال، تعیین مکان آن نیز امری ممکن و میسر است همانگونه که امروزه به راحتی می‌توان جنسیت جنین و حتی مسائل بسیار جزئی‌تر از آن را قبل از تولد تشخیص داد.

اما اینکه اختلاف نظر منجمان را دلیلی بر عدم اعتبار محاسبات نجومی تلقی کنیم غیر منطقی به نظر می‌رسد زیرا در این صورت لازم می‌آید که همه علوم نظری از جمله فقه، تفسیر و کلام بدلیل اختلاف نظر فقها، مفسرین و متکلمین بی اعتبار باشند. علاوه بر این، اگر هنگام سخن از محاسبات نجومی است، منظور محاسبات دقیق و علمی است که دانشمندان متخصص و مراکز معتبر انجام می‌دهند، در این حال که تفاوت محاسبات آنها در حد صفر و قابل اغماض است. یوسف قرضاوی (فتاوی، ۱/ ۲۱۳-۲۱۴) می‌گوید: «یکی از خطاهای شایع در میان بسیاری از علمای این عصر آن است که گمان می‌برند محاسبات نجومی همان حساب صاحبان تقاویم است که هر کدام از آنها منسوب به کسی است و بیشتر آنان با اعتماد بر کتب قدیمی آنها را نقل می‌کنند و چنانکه معلوم است این تقویمها با هم اختلاف دارند و مثلاً برخی از آنها شعبان را بیست و نه روزه و برخی سی روزه قرار می‌دهند و همچنین است ماه رمضان و ذوالقعدة و دیگر ماهها ... به دلیل همین اختلافها، همه را وانهاده‌اند با این استدلال که این تقاویم بر پایه علم یقینی تنظیم نشده‌اند ... آنچه مد نظر ماست آن بخش از علم نجوم جدید است که براساس مشاهده و تجربه استوار است، علمی که مجهز به امکانات علمی و عملی است که انسان را به کره ماه می‌رساند... و احتمال خطای اندازه‌گیری آن به یک درصد هزارم ثانیه رسیده است و به آسانی می‌تواند زمان ولادت هلال نجومی و امکان ظاهر شدن هلال را در هر

افقی در حدّ دقیقه و ثانیه مشخص سازد».^۱

۷- پای بندی به سنت نبوی: جزائری (۷۴) یکی از فواید اعتبار رؤیت و عدم اعتبار محاسبات نجومی را محافظت از سنت نبوی می داند سنتی که صحابه و تابعین و تبع تابعین و سایر مسلمانان در پرتو آن عمل کرده اند.

اصل این مطلب صحیح ولی نتیجه آن ناصواب است. پیروی از سنت و پرهیز از

۱. این آمار و ارقام در ارتباط با هلال نجومی تا حدّی اغراق آمیز، و در مورد هلال شرعی به نحوی نادرست است. برای توضیح مطلب ناگزیر باید به بیان اقسام ماههای قمری پرداخت. اکثر فقها ماه قمری مقارنه‌ای را ملاک عمل قرار نمی دهند و به همین دلیل است که ماه دیگر، به ماه هلالی «شرعی» موسوم شده است:

ا. ماه قمری مقارنه‌ای: یا ماه هلالی که فاصله زمانی دو محاق متوالی است و به عبارت دیگر مدت زمان متوسطی است که از یکبار قرار گرفتن خورشید، زمین و ماه بر یک خط تا تکرار دوباره این امر طول می کشد، مدت این ماه ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه و $\frac{2}{78}$ ثانیه است (دگانی، ۲۳۱/۲). باید توجه داشت که آغاز ماه قمری برای همه ساکنان زمین یکسان است زیرا هنگامی که هلال جدید متولد شد ماه قمری مقارنه‌ای جدید یا ماه هلالی نو، آغاز شده است. زمان ولادت هلال این ماه با دقت فراوان و خطای بسیار کم قابل پیش بینی است.

ب. ماه قمری هلالی شرعی: این ماه با رؤیت هلال ماه نو آغاز می شود. طول مدت این ماه به طوری که در روایات آمده است ۲۹ یا ۳۰ شبانه روز است. البته امکان دارد که حداکثر چهار ماه متوالی ۳۰ شبانه روزی و سه ماه متوالی ۲۹ شبانه روزی وجود داشته باشد اما امکان وجود بیش از چهار ماه متوالی ۳۰ شبانه روزی و یا بیش از سه ماه متوالی ۲۹ شبانه روزی وجود ندارد.

نکته قابل توجه در مورد این ماه آن است که چون اساس آن بر رؤیت است یک پدیده صرف نجومی که فقط مربوط به نحوه قرار گرفتن ماه، زمین و خورشید نسبت به هم باشد نیست بلکه عوامل زیادی در رؤیت هلال دخالت دارند که مهمترین آنها عبارتند از: مدت زمان سپری شده از لحظه مقارنه ماه، طول و عرض جغرافیایی محل رؤیت، مساحت بخش درخشان ماه، عامل دید انسانی، باز یا بسته بودن افق غربی ناظر، وجود یا عدم ذرات معلق در آسمان و نور اضافی شهرها.

ج. ماه قمری قراردادی: این ماه اساس «تقویم قمری قراردادی» است. منجمین و مورّخین برای سهولت کار تطبیق تقاویم، دست به تدوین تقویم قمری قراردادی زده اند. بر پایه این تقویم، ماهها به طور متناوب ۳۰ و ۲۹ شبانه روزی اند. در این تقویم برای انطباق بهتر آغاز ماههای آن با آغاز ماههای هلالی، روش کیسه را اجرا می کنند، بدین ترتیب که در هر سی سال قمری، یازده کیسه با ماه ذی الحجه سی شبانه روزی در نظر گرفته می شود.

بدعت امری است مطلوب اما اگر با دید متحجرانه به این قضیه نگریسته شود با روح شریعت و اهداف و مقاصد سنت تصادم خواهد کرد زیرا پیامبر(ص) از یادگرفتن و به کارگیری محاسبات نجومی نهی نکرده است. نهایت چیزی که بتوان گفت آن است که به کارگیری آن مخالفت با سنت تلقی شود چه در این صورت هر کسی روزانه در موارد متعدّد، با سنت مخالفت می‌ورزد چون در زندگی روزمره خود روشهایی به کار می‌بندد، ابزاری به کار می‌گیرد، وسایلی استعمال می‌کند که پیامبر(ص) به صراحت هیچ یک را توصیه نفرموده است. آنچه مهم است اهداف و مقاصد است نه وسایل منتهی به آنها. پس استفاده از هر وسیله‌ای که موجب رسیدن به هدف شود - به شرط نامشروع نبودن آن وسیله - جایز است. گاه تخفیفاتی در وسایل در نظر گرفته شده که برای اهداف و مقاصد مقرر نشده است. قاعده فقهی «یغتفر فی الوسائل ما لا یغتفر فی المقاصد» (سیوطی، ۱/۳۴۳) بر همین اساس شکل گرفته است.

علاوه بر دلایل هفت گانه فوق، امور دیگری چون شریک شدن همه مسلمانان در اجر رؤیت هلال، ایجاد وحدت در میان مسلمانان از طریق روی آوردن همه آنها به رؤیت هلال و ... به عنوان دلایل معتبر بودن رؤیت و عدم اعتبار محاسبات نجومی از جانب قایلان به این رأی ابراز شده که به دلیل کم اهمیّت بودن آن دلایل و ضعیف بودن استدلالات مربوطه از ورود به آنها خودداری می‌شود.

ب - اعتبار محاسبات نجومی و دلایل آن

برخی از فقهای متقدم و بسیاری از متأخران بر آنند که استفاده از محاسبات نجومی در ثبوت هلال، جایز و حتی ضروری است. اولین کسی که استفاده از این محاسبات را جایز اعلام کرد ابو عبدالله مطرف بن عبدالله الشحیر است که از کبار تابعین به شمار می‌رود (ابن رشد حفید، ۱/۲۹۳؛ قرضاوی، فتاوی، ۲/۲۱۱؛ غماری، ۴۳). امام شافعی^۱

۱. این روایت مبنای قول راجح مذهب شافعی قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد قول راجح مذهب شافعی بر اساس دو روایت دیگر وی - که قبلاً ذکر شد - شکل گرفته است که شروع و خاتمه ماه رمضان را بر اساس رؤیت هلال و یا اكمال ماه دانسته است. البته می‌توان این دو دسته از روایت را این گونه با هم

نیز در روایتی که از او نقل شده رجوع به محاسبات نجومی را هنگام تعذر رؤیت جایز دانسته است (ابن رشد جد، ۱۸۷). محمد بن مقاتل رازی شاگرد محمد بن حسن شیبانی فقیه معروف حنفی (غماری، ۴۳)؛ عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (قرضاوی، فتاوی، ۲/۲۱۱)؛ احمد بن عمر سربج از کبار علمای شافعیه در قرن سوم هجری قمری (جزائری، ۸۳)؛ محیی الدین بن عربی (۴/۶۰۶)؛ قاضی ابو الطیب (ابن رشد حفید، ۱/۲۹۳)؛ محمد بن علی الشاشی معروف به «فقّال» (جزائری، ۸۶)؛ علی بن احمد بن عبدالکافی السبکی (۱/۲۱۷)؛ ابن ابی الحدید، علی بن موسی بن طاووس، محمد بن حسن العاملی (جزائری، ۱۲۵)؛ محمد رشید رضا (جزائری، ۹۹ به نقل از تفسیر المنار، ۲/۱۸۵)؛ احمد شاکر (قرضاوی، المدخل، ۱۷۲)؛ علاء الفاسی (جزائری، ۱۰۲)؛ حسن البنا (همو، ۱۲۶)؛ احمد بن صدیق الغماری (۵۲)؛ مصطفی احمد الزرقاء (۱۵۷ به بعد)؛ علی الطنطاوی (مجلة الأمان، ۲۸)؛ یوسف القرضاوی (فهم صحیح سنت، ۱۵۵)؛ محمد حسین فضل الله (مجلة الأمان، ۲۴)؛ محمد مصطفی المراغی (رسالة اوائل الشهور العربية، ۱۵ به نقل از قرضاوی، فتاوی، ۲/۲۲۲) هم براین اعتقاد بوده‌اند. دلایل و مستندات این گروه چنین است:

۱- حدیث نبوی عن ابن عمر أن النبی (ص) قال: «لَا تَصُومُوا حَتَّى تَرَوْا الْهَلَالَ وَلَا تَفْطُرُوا حَتَّى تَرَوْهُ فَإِنْ غُمَّ عَلَيْكُمْ فَأَقْدُرُوا لَهُ» (بخاری، ۲/۶۷۴؛ مسلم، ۷/۱۹۰). برخی معتقدند عبارت «فاقدروا له» امر به تقدیر هلال (حساب و پیش بینی رؤیت هلال) است. ابن سربج می‌گوید: «هنگامی که هوا ابری باشد باید به شخصی رجوع کرد که علم نجوم می‌داند و از منازل قمر آگاه است تا معلوم شود رمضان چه وقت فرا می‌رسد؛ و هنگامی که از نظر علم حساب و نجوم ثابت شد که ماه رمضان آغاز شده است گرفتن روزه واجب می‌شود گرچه ماه هم رؤیت نشده باشد، چه، تعیین آغاز ماه از روی دلیل صورت گرفته است و این مانند حالتی است که بنابر شهادت شهود صورت گرفته باشد» (شیرازی،

←

جمع کرد که از دیدگاه امام شافعی در حالت صاف بودن هوا، رؤیت ملاک است و در حالت ابری بودن، اكمال ماه قمری و رجوع به محاسبات نجومی، هر دو جایز است به ویژه آنکه نقلی صریح از وی مبنی بر عدم اعتبار محاسبات نجومی وجود ندارد.

۶/۲۷۶). در تفسیر «فاقدروا له» دو رأی دیگر وجود دارد:

برخی معنی «فاقدروا له» را تضییق و کم کردن ماه دانسته‌اند (ابن قدامه، ۶/۳) بنابراین، معنی حدیث این است که: تا هلال را ندیده‌اید روزه نگیرید و افطار نکنید و اگر هوا بر شما ابری شد ماه را کم کنید. اینان معتقدند که چون راوی حدیث، ابن عمر است پس او از هر کسی نسبت به مدلول حدیث آگاه‌تر است و در این زمینه باید به وی رجوع کرد. نافع که راوی این حدیث از ابن عمر است می‌گوید: «وقتی بیست و نه روز از شعبان سپری می‌شد ابن عمر به جستجوی هلال می‌پرداخت اگر آن را رؤیت می‌کرد مقصود حاصل بود و اگر با وجود صاف بودن هوا، آن را رؤیت نمی‌کرد روزه نمی‌گرفت اما اگر ابر و مه جلو دید او را می‌گرفت روز بعد روزه می‌گرفت» (بیهقی، ۴/۲۰۴). چنانکه مشاهده می‌شود ابن عمر با این کار عملاً حدیث را تفسیر کرده است. شواهد لغوی مؤید این رأی نیز وجود دارد زیرا ماده «ق. د. ر.» به معنی تضییق و کم کردن هم آمده و در قرآن مجید نیز استعمال شده است: *يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ ...* (رعد/۲۶).

رأی دیگر، دیدگاه جمهور است. آنان می‌گویند قسمت اخیر حدیث فوق (فَأَنْ غُمَّ عَلَيْكُمْ فَأَقْدُرُوا لَهُ) به صورتهای گوناگونی آمده است از جمله: «فَأَنْ غُمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمَلُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ» (بخاری، ۲/۶۷۴) و «فَأِنْ غُبِّيْ عَلَيْكُمْ فَأَكْمَلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ» (همو، ۲/۶۷۴) و «فَأِنْ غُمَّ عَلَيْكُمْ فَصُومُوا ثَلَاثِينَ يَوْمًا» (مسلم، ۷/۱۹۳) و «فَأَنْ غُمِّيْ عَلَيْكُمْ الشَّهْرُ فَعُدُّوا ثَلَاثِينَ» (همو، ۷/۱۹۳) و «فَأَنْ حَالَتْ دُونَهُ غِيَابَةٌ فَأَكْمَلُوا ثَلَاثِينَ» (نسائی، ۴/۱۳۶). براساس این احادیث و روایاتی دیگر هنگام ابری بودن هوا و عدم رؤیت هلال باید ماه را سی روزه در نظر گرفت. از دیدگاه جمهور، این دسته از احادیث مبین و مفسر حدیث سابق الذکراند یعنی «فاقدروا له» بیانگر همان مضمون - مثلاً - «فَأَكْمَلُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ» است، به ویژه آنکه در روایتی از ابن عمر آمده است: «فَأَنْ غُمَّ عَلَيْكُمْ فَأَقْدُرُوا لَهُ أَنْمُوهُ ثَلَاثِينَ» (بیهقی، ۴/۲۰۵). بر همین مبنا، جصاص (۶/۲۳۵) معتقد است که تأویل حدیث نبوی «فَأَنْ غُمَّ عَلَيْكُمْ فَأَقْدُرُوا لَهُ» به رجوع به منازل قمر، یک تأویل غیر معتبر است.

یک نکته باقی می‌ماند و آن اینکه از عمل ابن عمر، راوی حدیث، چنان بر می‌آید که وی «فاقدروا» را به معنی تضییق گرفته است. ولی باید گفت آنچه حجیت دارد روایت

راوی است نه اجتهاد شخصی و عمل او، به ویژه آنکه اگر این اجتهاد و یا عمل، با نصوص، هماهنگ نباشد. در واقع عمل ابن عمر ناشی از روحیه شخصی خاص خود اوست که به خاطر ورع و تقوایی که داشته همواره جانب احتیاط را رعایت می کرده است. او اگر روز بعد از ۲۹ شعبان را که دخول رمضان هم محقق نشده روزه می گرفته بدان دلیل بوده که مبادا رمضان فرا رسیده باشد و به دلیل ابری بودن هوا یا مه آلود بودن آسمان و در نتیجه عدم رؤیت هلال، روزه یک روز از رمضان از او فوت شود. البته ابن عمر در این کار تنها نیست و کسانی دیگر چون حضرت علی (ع) و عائشه همسر پیامبر (ص) این روز را روزه می گرفته اند و می فرموده اند: «لَأَنَّ نَصَوْمَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنْ أَنْ نُفْطِرَ يَوْمًا مِنْ رَمَضَانَ» (السرخسی، ۳/۶۰). بنابراین می توان گفت صحت استدلال به حدیث مورد بحث برای اثبات حجیت محاسبات نجومی، محل تردید است و حتی اگر این استدلال هم پذیرفته شود تنها شامل حالت ابری بودن هوا می شود. علاوه بر آن فقهایی چون ابن سربج که حدیث مذکور را دلیل بر جواز رجوع به علم نجوم دانسته اند این امر را در حق کسانی جایز می دانند که خود به منازل قمر آگاهند.

۲- قاعده ترجیح قطع بر ظن: بدون تردید شهادت شهود اگر به حد تواتر نرسد حداکثر افاده ظن می کند زیرا در شهادت شهود، امکان وهم، غلط و دروغگویی وجود دارد. وجود چنین احتمالاتی مرتبه شهادت شهود را حداقل به ظن تنزل می دهد. البته این ظن حاصل، معتبر و قابل اعتناست اما به شرطی که با قطع و یقین و یا ظنی قوی تر از خود در تعارض نباشد که در این صورت، قطع و یا ظن قوی تر بر ظن ضعیف تر ترجیح داده می شود چون اولاً ضعیف با قوی توان معارضه ندارد. ثانیاً: اگر خطا بودن ظن آشکار شود دیگر حجّت نخواهد بود؛ چنین است که فقها گفته اند: «لَا عِبْرَةَ بِالظَّنِّ الْبَيِّنِ خَطْؤُهُ» (سیوطی، ۱/۳۳۷).

طرفداران اعتبار محاسبات نجومی معتقدند که شهادت بر رؤیت هلال حداکثر افاده ظن می کند در حالی که محاسبات نجومی قطعی است. بنابراین هنگام تعارض، محاسبات بر شهادت ترجیح داده می شود. سبکی (۱/۲۱۷) معتقد است که وقتی از نظر محاسبات نجومی امکان رؤیت هلال وجود نداشته باشد قاضی باید شهادت شهود را رد کند زیرا محاسبات نجومی، قطعی، و شهادت و خبر ظنی اند.

قلیوبی از فقهای شافعیه نقل می‌کند: «وقتی حساب قطعی بر عدم رؤیت هلال دلالت کند، قول شهود عادل مبنی بر رؤیت آن پذیرفته نمی‌شود» (زرقاء، ۱۶۳).
به نظر ابن حجر هیتمی (۳/۳۸۳ به نقل از احمدیان، ۹۱) اگر اهل حساب متفق باشند که مقدمات آن قطعی است و تعداد افرادی که خبر عدم رؤیت هلال را [بر مبنای علم حساب] بدهند به حدّ تواتر برسد، شهادت مبنی بر رؤیت هلال رد می‌شود. غماری نیز که از طرفداران اعتبار محاسبات نجومی به هنگام ابری بودن هواست معتقد است (۵۳) که برای وجوب پای بندی به محاسبات، لازم است تعداد منجمینی که بر مبنای محاسبات خود، خبر می‌دهند به حدّ تواتر برسد. او این حدّ را به نقل برخی، هفت و یا هشت نفر می‌داند.

احمد شاکر در رساله *اوائل الشهور العربیة* می‌نویسد: «وقتی این امکان برای عامّة مردم و خواصّ پدید آمد که در محاسبات اول ماه قمری به قطع و یقین برسند و این اعتماد آنها بر علم حساب با اعتماد آنان بر رؤیت برابری کرد و یا حتّی بر آن راجح بود ... لازم است که به یقین ثابت رجوع کنند و برای اثبات هلال، تنها از حساب مدد جویند».
(قرضاوی، فتاوی، ۲/۲۱۸).

شهاب مرجانی حنفی در *ناطوره الحق* می‌گوید: «امور حسابی تماماً قطعی و استدلالی‌اند و بعد از فهم و شناخت آنها نمی‌توان انکارشان کرد» (غماری، ۵۰).
قرافی (۲/۲۹۸-۲۹۹) هم با وجود آنکه رجوع به محاسبات نجومی را در امر ثبوت هلال جایز نمی‌داند معتقد است که شهادت، ظنّی، و علم حساب، قطعی است. او دلیل این رأی خود را اعتماد سلف و خلف بر رؤیت عنوان می‌کند.
بنابراین چون خبر و شهادت ظنّی‌اند و علم حساب قطعی است در صورت تعارض، علم حساب بر شهادت مقدم است.

مصطفی زرقاء (۱۵۷-۱۵۸) می‌گوید: «آنچه بسیار عجیب و غریب است اختلاف علمای امروزی در پذیرش محاسبات نجومی است، ... من موضع علمای سلف را در عدم پذیرش آن عجیب نمی‌دانم بلکه اگر خود در عصر آنان می‌زیستم البته مثل آنان می‌اندیشیدم، من موضع علمای امروزی را عجیب می‌دانم. در زمانی که فرود آمدن بر سطح کره ماه و قراردادن اقمار مصنوعی به دور زمین اموری کوچک به حساب می‌آید

[هنوز مانند گذشتگان می‌اندیشند و از درک این تحولات شگرف و تأثیر آنها عاجزند]. من مطمئنم اگر علمای سلف در عصر کنونی بودند و تطوّر علم نجوم را مشاهده می‌کردند حتماً رأی خود را تغییر می‌دادند،^۱ چه خداوند به آنان وسعت فکری‌ای در فهم مقاصد شریعت عطا کرده بود که به پیروان متأخر آنان نداده است».

قرضاوی (۲۲۲/۲) بعد از ذکر رأی سبکی مبنی بر ترجیح علم حساب بر شهادت می‌گوید: «سبکی در قرن هشتم هجری قمری که علم نجوم پیشرفت زیادی نکرده بود این رأی را ابراز داشته است» پس چگونه می‌بود اگر او در عصر ما می‌زیست و پیشرفت نجوم امروزی را مشاهده می‌کرد».

شهادت شهود به دلیل ضعف ذاتی آن - که حداکثر افاده ظنّ می‌کند - اگر با اموری دیگر تعارض پیدا کند، حجّیت خود را از دست می‌دهد و به خاطر همین ضعف ذاتی آن است که شهود باید تزکیه شوند تا شهادت آنان حجّیت و مقبولیت یابد.

ردّ شهادت شهود رؤیت هلال نیز از این قاعده مستثنا نبوده و ادّعایی تازه و بی سابقه نیست زیرا فقهای حنفی ثبوت هلال را در حالت صاف بودن هوا حتی پس از تزکیه شهود، منوط به شهادت «جمع کثیر» یا «جمع غفیر» یا «جمع عظیم» نموده‌اند (ابن عابدین، ۳۸۸/۲).

شهادت شهود را در صورت وجود قراینی دالّ بر عدم صحّت آن همچون تعمّد شهود بر کذب، خطا و اشتباه آنان، توهم^۲، وجود انگیزه‌های مختلف در شهود، اکراه و

۱. در مذهب حنفی عدول از فتاوی متقدمان به استناد تغییر شرایط زمان و مکان که خود از آن به «اختلاف عرفی و زمان لا اختلاف حجّة و برهان» تعبیر کرده‌اند جایز شمرده می‌شود. قاعده فقهی «لاینکر تعییر الاحکام بتعییر الازمان» مبتنی بر همین طرز فکر است (نک: زرقاء، ۲۲۷).

۲. مولانا جلال الدین در قالب تمثیلی زیبا نمونه‌ای از این دست نقل می‌کند:

ماه روزه گشت در عهد عُمر	بر سر کوهی دويدند آن نفر
تا هلال روزه را گیرند فال	آن یکی گفت ای عُمر اینک هلال
چون عُمر بر آسمان مه را ندید	گفت مه خود از خیال تو دمید
ورنه من بیناترم افلاک را	چون نمی‌بینم هلال پاک را
گفت تر کن دست بر ابرو بمال	آنگهان تو بر نگر سوی هلال

غیره می توان ردّ کرد. بنابراین محاسبات نجومی به دلیل قطعی بودن و یا حداقل اطمینان بخش تر بودن آن می تواند دلیلی برای ردّ شهادت باشد.

۳- طریقت رؤیت هلال: وظیفه مسلمانان مکلف در ماه مبارک رمضان آن است که در زمان واقعی و مقرر این ماه روزه بگیرند: *فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ...* (بقره/۱۸۵). برای تأمین این هدف و تعیین آغاز و انجام ماه می توان از هر وسیله مشروعی استفاده کرد. ممکن است گفته شود شارع خود این وسایل و اسباب را تعیین کرده در نتیجه نمی توان از اسباب دیگری بهره جست. تبیین این مسأله نیازمند توضیحات زیر است:

در اینکه رؤیت هلال و اكمال عدد از جانب شارع به عنوان راههای تشخیص آغاز و انجام ماههای قمری معرفی شده اند شکّی وجود ندارد. ولی آیا این دو راه تنها طرق مشروع اند یا اینکه راههای مشروع دیگری هم وجود دارد؟ به تعبیر دیگر آیا رؤیت هلال و اكمال عدد، اسباب انحصاری اند یا طریقت دارند؟

برخی از فقها چنان که گذشت قایل به موضوعیت اند؛ گروهی دیگر نظر به طریقت دارند. ابن دقیق العید (۴/۲) می گوید: «خصوص رؤیت، شرط وجوب روزه نیست؛ علما متفق اند که کسی که در محیط سر بسته ای محبوس است اگر از طریق اكمال ماه و یا اجتهاد امارات پی برد که ماه رمضان است باید روزه بگیرد گرچه خود هلال را رؤیت نکرده و آنکه هلال را رؤیت کرده نیز به او خبر نداده است». این قول از قشیری هم نقل شده است (زرقاء، ۱۶۲ به نقل از عمدة القاری، ۱۰/۹۲۷۲).

بجیرمی از فقهای شافعیه اصولاً رؤیت هلال را الزامی نمی داند. او می گوید: «هرگاه هلال، دو شب پنهان ماند و آسمان هم صاف بود بدون شک، شب سوم اوّل ماه است. شایسته است که هر مسلمانی این مطلب را بداند و اگر کسی به این نکته آگاه شد از جستجوی هلال بی نیاز است ... حدیث «صوموا لرؤیته» در حقّ کسانی است که این



گفت ای شه نیست مه شدناپدید
سوی تو افکند تیری از گمان

چونک او تر کرد ابرو مه ندید
گفت آری سوی ابرو شد کمان

مطلب را نمی‌دانند» (نک: احمدیان، ۹۲).

بصیری از فقهای شافعیه می‌گوید: «مراد از رؤیت، علم است پس هر گاه علم به وجود هلال حاصل شد کافی است (ابن حجر هیتمی، حاشیه تحفه، ۳/۳۷۴ به نقل از احمدیان، ۸۳). رملی دیگر فقیه شافعی می‌گوید: «به هر وسیله‌ای علم به حلول ماه رمضان حاصل شود روزه واجب خواهد بود» (ابن حجر هیتمی، فتاوی، ۲/۵۷ به نقل از احمدیان، ۸۳). ابن حجر خود نیز معتقد است که علاوه بر رؤیت از جانب شهود عدول و اكمال عدد، خبر متواتر مبنی بر رؤیت و لو اینکه از جانب کفار باشد، و ظن دخول رمضان بنا بر اجتهاد و بنا بر اماراتی ظاهر که عادتاً تخلف ناپذیراند - مثل رؤیت قنادیلی که بر منابر آویزان است^۱ نیز از جمله راههای اثبات آغاز ماه رمضان به شمار می‌روند.

یوسف قرضاوی (فتاوی، ۲/۲۱۴-۲۱۵) می‌گوید: «در حدیث شریف «صوموا لرؤیته و افطروا لرؤیته»، هدف حدیث، واضح و آشکار است: همه رمضان را روزه بگیرید، روزی از آن را تباه و ضایع نکنید یا روزی از ماهی دیگر مثل شعبان و شوال را روزه نگیرید، و این امر با اثبات داخل شدن در ماه و خروج از آن است با وسیله‌ای که برای جمهور مردم مقدور باشد و آنان را در امور دینی شان دچار حرج و تکلف نکند. رؤیت با چشم در عصر نبوی وسیله سهل و مقدور برای عامه مردم بود و به همین خاطر، حدیث آن را معین فرمود، چه اگر آنان را به وسیله‌ای دیگر چون حساب فلکی - که امت در آن وقت بدلیل امّی بودن، بدان دسترسی نداشت - مکلف می‌کرد آنان را در حرج و عسر قرار می‌داد... اگر وسیله‌ای دیگر یافت شود که بهتر ما را به هدف حدیث یعنی شناخت دقیق شروع و پایان ماههای قمری برساند و از احتمال خطا و وهم و دروغ دورتر باشد و این وسیله هم به صورت ممکن و میسر در آمده باشد... چرا باید بر وسیله‌ای که ذاتاً مقصود نیست یعنی رؤیت، جمود ورزیم و از هدفی که حدیث دنبال می‌کند غافل شویم».

به نظر محمد حسین فضل‌الله امروزه که بر اثر پیشرفت علم نجوم می‌توان زمان آغاز ماه قمری را با دقت زیاد تعیین کرد دیگر احتیاجی به رؤیت که در آن اختلاف و جدل

۱. قبلاً عادت بر آن بوده که برای اطلاع رسانی دخول ماه رمضان یا حلول عید فطر، بر مناره‌ها چراغ آویزان کرده و یا بر بلندی‌ها آتش روشن می‌کردند.

زیادی وجود دارد نیست» (مجله الأمان، ۲۴).

علی طنطاوی معتقد است که آغاز ماه قمری را می‌توان با تعیین ساعت، دقیقه و ثانیه آن مشخص کرد و این دلیلی است بر آنکه خداوند برای عالم قوانین ثابت و دایمی قرار داده است و هر چیزی در نزد او تعیین شده و بنابر نظم خاصی در جریان است و این محاسبات نجومی یک امر قطعی است در حالی که در شهادت شهود، احتمال توهم، خطا و کذب وجود دارد (همان، ۲۸). بنابراین ضرورتی وجود ندارد که بر استفاده از یک وسیله یا وسایلی خاص جمود ورزیم و از استفاده از وسایلی دیگر که بهتر ما را به هدف می‌رساند پرهیز کنیم به ویژه آنکه حساسیت و اهمیت که در مورد هدف وجود دارد در مورد وسیله وجود ندارد و در ارتباط با وسیله، تسهیلی هست که در مورد هدف وجود ندارد و این مطابق با قاعده فقهی «یغتفر فی الوسائل ما لا یغتفر فی المقاصد» (سیوطی، ۳۴۳/۱) می‌باشد.

۴- قاعده عقلی «رجوع به متخصص»: عقل حکم می‌کند که هر کاری به متخصص آن کار واگذار شود. این قاعده مورد قبول عاقلان است. علما خود هم بدان معتقدند و هم پای بند. غماری (۵۰) می‌گوید: «اهل شرع از فقها و دیگران، در هر حادثه‌ای به آگاهان آن و افرادی که در آن صاحب بصیرت‌اند رجوع می‌کنند؛ آنان در معانی الفاظ قرآن و حدیث به قول اهل لغت عمل می‌کنند، در افطار روزه و غیره، قول پزشک را می‌پذیرند، چه دلیلی وجود دارد که در اكمال شعبان و سایر ماهها از علم حساب که قطعی است استفاده نشود؟».

۵- اخذ به قیاس اولی: یکی از مصادر و ادله احکام که مورد پذیرش علما قرار گرفته، قیاس اولی است.^۱ اقتضای این قاعده آن است که محاسبات نجومی در امر ثبوت هلال معتبر تلقی شود. قرضاوی (فتاوی، ۲/۲۱۵؛ مدخل، ۱۷۲) می‌گوید: «حساب قطعی امروزی به عنوان وسیله‌ای برای اثبات ماههای قمری باید از باب «قیاس اولی» پذیرفته شود زیرا سنتی (سنت نبوی) که اخذ به وسیله ضعیف‌تر و ادنی یعنی رؤیت را که در آن شک و احتمال وجود دارد مشروع دانسته وسیله‌ای را که کامل‌تر و عالی‌تر است و بهتر ما

۱. حتی آن دسته از اصولیان امامیه مانند ابن مطهر حلّی که اساساً حجّیت قیاس را نمی‌پذیرند، قیاس اولی را به عنوان یکی از منابع استنباط احکام قابل استناد می‌دانند (مظفر، ۱۷۶/۲).

را به هدف می‌رساند مردود نمی‌شمارد».

۶- پرهیز از اختلاف: قبول حجّیت و اعتبار محاسبات نجومی یک نتیجه مهم به دنبال دارد و آن ایجاد اتحاد در میان مسلمانان در زمینه آغاز و پایان ماههای قمری است، زیرا با توجه به استدلالی بودن محاسبات و امکان بیان آن برای سایرین و نیز هماهنگ بودن نظریات متخصصان این فن، زمینه تفرّق و تشتت آرا از بین رفته و جای خود را به وحدت رأی و اتفاق نظر خواهد داد.

۷- امکان تجدیدنظر: محاسبات نجومی نسبت به رؤیت یک حسن دیگر هم دارد و آن اینکه از مدتها قبل می‌توان نسبت به اعلان نظر و انتشار رأی مبادرت ورزید و در چنین شرایطی حتی اگر در نحوه محاسبات اشتباهی رخ داده و یا گروهی نسبت به درستی آن تردید داشته باشند فرصت برای جبران و یا توضیح آن وجود دارد، در حالی که در مورد رؤیت چنین نیست.

۸- جواز اختلاف خطاب به اختلاف احوال: یکی از مقومات تغییر فتوا، تغییر شرایط و اوضاع و احوال است. فتوی ممکن است با توجه به تغییر شرایط زمانی، مکانی و حتی تفاوت اشخاص تغییر یابد بنابراین جایز است که در یک مقطع زمانی - مثلاً عصر نبوی - با توجه به شرایط خاص آن عصر، استفاده از محاسبات نجومی جهت تعیین آغاز ماههای قمری، توصیه نشده و یا حتی ناروا قلمداد شود اما در عصر دیگر - چون عصر کنونی - با توجه به تغییر شرایط، استفاده از محاسبات نجومی جایز، بلکه لازم باشد. بر همین مبنا شاید بتوان گفت فقهای متقدم بنا به اوضاع و احوال زمان خود حکم به بی اعتبار بودن محاسبات نجومی داده‌اند.

۹- تقیید نصوص رؤیت: با وجود آنکه بیشتر نصوصی که رؤیت را ملاک قرار داده‌اند مطلق‌اند و مقتضای اطلاق آنها این است که رؤیت مطلقاً حجّت باشد اما شارع خود در نصوصی دیگر آن نصوص مطلق را مقید کرده است: «عن ابن عمر عن النبی (ص) قال: انا امة أمیة لا نکتب و لا نحسب، الشهر هكذا و هكذا...» (بخاری، ۲/۶۷۶؛ ابوداود، ۲/۳۰۶). زرقاء (۱۶۰) می‌گوید: «پیامبر (ص) علت اعتماد بر رؤیت با چشم را در امر ثبوت هلال برای آغاز روزه و افطار، امی بودن امتی می‌داند که نه می‌نویسد و نه حساب می‌کند و بنابراین جز رؤیت هلال، راهی برای شناخت حلول و پایان ماه قمری ندارد».

ابن حجر عسقلانی نیز در شرح حدیث فوق می‌نویسد: «مراد از اُمَّت کسانی هستند که در آن زمان وجود داشته‌اند و البته اکثریت آنها مدّ نظر است نه عموم آنها زیرا کتابت در میان آنان به صورت نادر وجود داشته است. مراد از حساب در این حدیث، حساب نجوم و تعیین سیر اجرام آسمانی است که مسلمانان در این زمینه نیز جز اندکی محدود، بی‌اطلاع بوده‌اند...» (به نقل از زرقاء، ۱۶۱). بنابراین وقتی دلیل اعتماد بر رؤیت، امی بودن امت باشد طبیعی است که با رفع این علت و آگاهی یافتن اُمَّت از کتابت و حساب، ضرورتی برای اعتماد بر رؤیت وجود ندارد به ویژه آنکه اگر وسیله‌ای دیگر ما را بهتر و اطمینان بخش‌تر به آغاز و پایان ماههای قمری واقف گرداند و احتمال خطای آن بسیار کمتر از شهودی باشد که نه معصوم‌اند و نه از احتمال خطا و توهم و اشتباه و غیره به دور.

نتیجه

بدون شک بررسی موضوع اعتبار و یا عدم اعتبار محاسبات نجومی در اثبات آغاز و پایان ماههای قمری نیازمند وقوف بر دو دانش فقه و نجوم است. از طرفی باید از علم نجوم اطلاعات کافی داشت تا بتوان حیطه عمل و توان واقعی این علم را در امر هلال شناخت و از پذیرش امور اغراق آمیز و غیر واقعی پرهیز کرد و از طرفی دیگر باید از فقه آگاه بود تا در پرتو نصوص، حکم شرعی را استنباط کرد، در غیر این صورت حکمی که صادر می‌شود ممکن است یا با بدیهیات و واقعیات ملموس و محسوس در تضاد باشد یا با نصوص صریح شرعی و مقاصد شریعت معارضه کند.

با توجه به این مطالب تبیین چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱- به نظر می‌رسد که ماه قمری مدّ نظر شارع، ماه قمری هلالی شرعی است نه ماه قمری مقارنه‌ای و نه ماه قمری قراردادی. یعنی آنچه از نظر شرع مورد توجه است و ملاک آغاز و پایان ماه قمری محسوب می‌شود؛ ماه قمری‌ای است که با رؤیت هلال و یا امکان رؤیت آن - بنا به اختلاف نظرهایی که وجود دارد - آغاز می‌شود زیرا هم با نصوص شرعی سازگار است و هم با سیره عملی پیامبر(ص) و اُمَّت اسلامی در قرون گذشته تطابق دارد.

۲- اگر بنا بر ترجیح فوق، ماه هلالی شرعی ملاک و مبنا قرار گیرد، باید معلوم شود که

آیا خصوص رؤیت هلال حجّت است یا امکان رؤیت آن. در توضیح این مطلب باید گفت که منظور از «حجّیت رؤیت هلال» آن است که اگر رؤیت هلال از طرق مورد اعتماد شرع گزارش شود، حکم به آغاز ماه قمری داده شود و اگر هلال رؤیت نشود، حکم به عدم آغاز ماه قمری جدید داده شود مگر زمانی که سی روز ماه قمری به اتمام برسد. منظور از «حجّیت امکان رؤیت هلال» آن است که اگر بر اساس مشاهدات مستند و واقعی ثبت شده پیشین و با توجه به ترتیب منظم و تکرار پذیری که در حرکت‌های خورشید، ماه، زمین وجود دارد به نحوی که می‌توان آینده را برگزیده قیاس نمود، امکان رؤیت هلال جدید وجود داشت، می‌توان حکم به آغاز ماه قمری جدید داد، خواه هلال عملاً رؤیت شده باشد و خواه نشده باشد.

هنگامی که حکم به امکان رؤیت هلال داده می‌شود، هرگز بدان معنی نیست که حتماً هلال رؤیت شده است بلکه بدان معنی است که تا پیش از آن، امکان رؤیت هلال وجود نداشته و از این زمان به بعد است که این امکان وجود دارد گرچه ممکن است به سبب وجود عواملی چون ابر، مه، گرد و غبار، نور اضافی شهرها، دود، عدم توانایی شخص بیننده و غیر آنها، عملاً ساعتها بعد رؤیت هلال روی دهد. بنابراین برخلاف ماه قمری مقارنه‌ای که با دقت ثانیه می‌توان آغاز آن را پیش بینی کرد، امکان رؤیت ماه هلالی شرعی با آن دقت، قابل پیش بینی نیست زیرا به عوامل انسانی و غیر انسانی غیر منضبط نیز چون قدرت دید انسانها و موقعیت جغرافیایی و محلّی آنان از قبیل پستی ها و بلندی‌ها و یا وجود ابر و مه و غبار و غیره وابسته است.

بر اساس گزارشهای علمی و تأیید شده، در بهترین شرایط ممکن، باید حدود پانزده ساعت از لحظه مقارنه خورشید، ماه، زمین (آغاز ماه قمری مقارنه‌ای) سپری شود تا ماه قابل رؤیت باشد و بنابراین اگر رؤیت هلال در مدّت زمانی کمتر از این میزان گزارش شود با واقعیت‌های علمی موجود منافات دارد. هر اندازه فاصله زمانی میان لحظه مقارنه با زمان گزارش رؤیت هلال، کمتر از پانزده ساعت باشد به همان اندازه، گزارش از واقعیت دورتر خواهد بود. در سالیان اخیر در برخی از کشورهای اسلامی گزارشهایی که به هیچ عنوان با واقعیت‌های موجود علمی مطابقت ندارد مبنای عمل قرار گرفته است. حتی گاهی گزارش رؤیت هلال قبل از وقوع کسوف (لحظه مقارنه خورشید، ماه، زمین) ملاک عمل

قرار گرفته است یعنی هلال ماه، قبل از تولّد، رؤیت شده است!

در این زمینه نیز اقتضای ظواهر نصوص آن است که محاسبات نجومی از جهت نفی - و نه اثبات - حجّت تلقی شود. معنی این سخن آن است که اگر بر مبنای محاسبات، امکان رؤیت هلال وجود داشت، تنها زمانی حکم به آغاز ماه قمری داده شود که عملاً هم هلال رؤیت شده باشد. این کار، هم با احادیث دالّ بر حجّیت رؤیت موافق است و هم با واقعیّات علمی تعارضی ندارد زیرا محاسبات فقط امکان رؤیت را مطرح کرده است. از طرف دیگر اگر بر مبنای محاسبات، رؤیت هلال منتفی باشد، باید حکم به عدم آغاز ماه قمری جدید داد گرچه رؤیت هلال نیز گزارش شده باشد. این موضوع که با واقعیّات علمی مطابق است با نصوص رؤیت تعارضی ندارد زیرا دلیلی وجود دارد که در صحّت شهادت شهود تردید ایجاد کرده است. امور مشکوک نیز نمی‌توانند مبنای صدور حکم شرعی واقع شوند، بنابراین باید صبر کرد تا از نظر نجومی هلال قابل رؤیت شود، آنگاه شهادت مبنی بر رؤیت هلال قابل پذیرش است.

حاصل سخن آنکه محاسبات دقیق و علمی نجومی می‌تواند در جهت نفی، حجّت باشد زیرا با واقعیّات علمی و روح و ظواهر نصوص همخوانی دارد. مزیت دیگر این حکم آن است که امکان پذیرش و در نتیجه به کار بستن آن نزد علما و نیز افکار عمومی بیشتر است و در واقع می‌توان گفت سازگاری آن با شرایط و اوضاع این عصر بیشتر است.^۱

کتابشناسی

قرآن کریم

ابن ادریس، محمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (در ضمن سلسلة الینابیع الفقهیة) به کوشش

۱. مجمع فقه اسلامی در سومین کنفرانس خود که در عمان (اردن) برگزار گردید در ارتباط با موضوع مورد بحث مقرر داشت: «یجب الاعتماد علی الرؤیة و یستعان بالحساب الفلکی و المراصد مراعاةً للأحادیث النبویة و الحقائق العلمیة (قرارات و توصیات مجمع الفقه الاسلامی، ۳۷). مجلس افتای اروپا نیز در ششمین دوره خود که در مرکز اسلامی دوبلین پایتخت ایرلند جنوبی منعقد شد اعلان داشت: «إذا جزم الحساب باستحالة الرؤیة المعتبرة شرعاً فی أي بلد فلاعبرة بشهادة الشهود التي لا تنفید القطع ... (مجلة الامان، «تحديد بداية شهرى رمضان و شوال لعام ۱۴۲۱ق» ش ۴۲۴، ۲۰۰۰م)، ص ۱۳».

- على اصغر مرواريد، بيروت، ١٤١٠ق.
- ابن البراج الطرابلسي، عبدالعزيز، المهذب (در ضمن سلسلة الينايع الفقهية). نك بالاتر.
ابن تيميه، احمد، مجموع الفتاوى، رياض، ١٩٨٢م.
- همو، فقه الزكاة و الصيام، بي نا، بي تا.
- ابن حجر العسقلاني، احمد، فتح البارى بشرح البخارى، قاهرة، ١٩٥٩م.
- ابن دقيق العيد، محمد، احكام الأحكام، به كوشش محمد حامد الفقى، قاهرة، ١٩٥٣م.
- ابن رشد (الجد)، محمد، المقدمات، قاهرة، مطبعة السعادة، بي تا.
- ابن رشد (الحفيد)، محمد، بداية المجتهد، بيروت، ١٤٠٦ق.
- ابن زهرة، حمزة بن على، غنية النزوع (در ضمن سلسلة الينايع الفقهية). نك بالاتر.
- ابن عابدين، محمد بن امين، تنبيه الغافل و الوسنان على احكام هلال رمضان (در ضمن مجموعة رسائل ابن عابدين) بيروت، دار احياء التراث العربى، بي تا.
- همو، رد المحتار على الدر المختار، بيروت، دارالفكر، بي تا.
- ابن عربى، محمد، احكام القرآن، به كوشش محمد البجاوى، قاهرة، ١٩٥٧م.
- ابن عربى، محمد محيى الدين، الفتوحات المكية، بيروت، دار صادر، بي تا.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنى، بيروت، دار الفكر، بي تا.
- ابوداود، سليمان بن اشعث سجستاني، السنن، قاهرة، ١٤٠٨ق.
- احمد يان، عبدالله، تحقيقات، مهاباد، ١٣٧٦.
- امين سبحانى، ابراهيم و ديگران، زمين در فضا، تهران، ١٣٦٣.
- باجى، سليمان، المنتقى شرح الموطا، قاهره، ١٣٣٣ق.
- بخارى، محمد بن اسماعيل، الجامع الصحيح مشهور به صحيح بخارى، به كوشش ديب البغا، مصطفى، بيروت، ١٤١٤ق.
- بيهقى، احمد بن حسين بن على، السنن الكبرى، بيروت، دار المعرفة، بي تا.
- تتانى، ابراهيم بن خليل، تنوير المقالة شرح الفاظ الرسالة، بي جا، ١٤٠٩ق.
- الجيعى العاملى، زين الدين، الروضة البهية، بيروت، دار العالم الاسلامى، بي تا.
- جزائرى، محمد بن عبدالكريم، الحكم الشرعى لرؤية الهلال بالابصار و ابطال نظرية الحساب الفلكى فى الصوم و الافطار، بي جا، ١٩٩٤م.

- الجزيري، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الاربعة، القاهرة، مطبعة الاستقامة، بي تا.
جصاص، احمد، احكام القرآن، القاهرة، ١٣٤٧ق.
- حبنة الميداني، عبدالرحمن حسن، الصيام و رمضان، دمشق، ١٤٠٧ق.
- الحز العاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشيعة، به كوشش عبدالرحيم رباني شيرازي، تهران، المكتبة الاسلامية، بي تا.
- الحلي، جمال الدين، قواعد الاحكام (در ضمن سلسلة الينايع الفقهية). نك بالاتر.
- الحلي، ابوالقاسم (محقق)، شرائع الاسلام (در ضمن سلسلة الينايع الفقهية). نك بالاتر.
همو، المختصر النافع، قم، بي تا.
- حسيني طهراني، سيد محمد حسين، رسالة حول مسألة رؤية الهلال، بي جا، بي تا.
خرشي، محمد، شرح المختصر، بي جا، ١٣٠٨ق.
- دگاني، ماير، نجوم به زبان ساده، ترجمة: محمد رضا خواجه پور، تهران، ١٣٧٤.
- زرعاء، احمد، شرح القواعد الفقهية، به كوشش مصطفى احمد الزرعاء، دمشق، ١٤١٩ق.
- زرعاء، مصطفى احمد، الفتاوى، به كوشش مجد احمد المكي، دمشق، ١٤٢٠ق.
- زيدان، عبدالكريم، المفصل في احكام المرأة والبيت المسلم، بيروت، ١٤١٧ق.
- سبكي، احمد بن عبدالكافي، فتاوى، بيروت، دار المعرفة، بي تا.
- سرخسي، محمد، المبسوط، بيروت، مطبعة دار المعارف، بي تا.
- سيوطي، جلال الدين، الأشباه و النظائر في قواعد و فروع فقه الشافعية، به كوشش محمد حسن الشافعي، بيروت، ١٤١٩ق.
- الشافعي، محمد بن ادريس، الأم، القاهرة، ١٩٦٨م.
- همو، كتاب اختلاف الحديث (در حاشية الأم)، القاهرة، ١٩٦٨م.
- شربيني الخطيب، محمد، الاقناع في حل الفاظ أبي شجاع، بيروت، ١٤١٥ق.
- شيرازي، ابواسحاق، المهذب في الفقه الشافعي، قاهره، بي تا.
- صابوني، محمد علي، روائع البيان تفسير آيات الاحكام من القرآن، مكة، ١٣٩١ق.
- ضيائي، محمد عادل، ثبوت هلال از دیدگاه علم نجوم و فقه، پايان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهيات و معارف اسلامي، دانشگاه تهران، ١٣٧٥.
- طباطبايي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة الأعلمي، بي تا.

- طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، به كوشش الشيخ محمد الاخوندي، بي جا، ١٣٩٠ق.
- غماري، احمد بن محمد بن صديق، توجيه الانظار لتوحيد المسلمين في الصوم و الإفطار، به كوشش حسن بن علي الكتاني، الأردن، ١٤١٩ق.
- قرارات و توصيات مجمع الفقه الاسلامي، تعليق: عبدالستار ابو غدة، دمشق، دار القلم، بي تا.
- القوافي، احمد بن ادريس، الفروق، به كوشش خليل المنصور، بيروت، ١٤١٨ق.
- قرضاوي، يوسف، فتاوى معاصرة، قاهره، ١٤١٥ق.
- همو، المدخل لدراسة السنة النبوية، بي جا، بي تا.
- همو، فهم صحيح سنت، ترجمه محمد علي آريا نژاد، تهران، ١٣٧٩.
- قرطبي، محمد، الجامع لأحكام القرآن، قاهره، ١٩٣٥م.
- المجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، ١٤١٢ق.
- مسلم نيشابوري، ابو الحسين بن الحجاج، الجامع الصحيح با شرح نووي، بيروت، بي تا.
- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، قم، ١٣٧٠.
- ملك پور، ايرج - صباد، محمد رضا، تقويم تطبيقي ١٥٠٠ ساله هجري شمسي و هجري قمرى قرار دادى، تهران، ١٣٧٠.
- همو، «تقويم سال يكم هجرى شمسي» مجله تحقيقات اسلامي، تهران، سال ٨، ش ١، (١٣٧٢).
- المكي العاملي، محمد بن جمال الدين، اللعة دمشقية، بيروت، دار العالم الاسلامي، بي تا.
- مولوى، جلال الدين محمد بن حسين، مثنوى معنوى، به كوشش رينولداى. نيكلسون، تهران، ١٣٧٢.
- النجفى، محمد حسن، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، بيروت، ١٤١٢ق.
- نسائي، احمد بن شعيب، السنن، مشهور به سنن نسائي، با شرح جلال الدين سيوطي، بيروت، ١٣٤٨ق.
- نووي، ابوزكريا يحيى بن شرف، المجموع فى شرح المهذب، قاهره، دار الطباعة المنيرية، بي تا.

مجلات

مجلة الأمان، تحديد بداية شهرى رمضان و شوال لعام ١٤٢١ق. ش ٤٢٤، (٢٠٠٠م).

ثبوت هلال؛ رؤیت یا محاسبه / ۸۵

مجله تحقیقات اسلامی (نشریه بنیاد دائرة المعارف اسلامی)، س ۷، ش ۱، (۱۳۷۱) و س ۸، ش ۱-۲، (۱۳۷۲).

مجله فقه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، س ۱، ش ۱، (زمستان ۱۳۷۳).

مجله مقالات و بررسی‌ها، تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دفتر ۷۰، (۱۳۸۰).